



۱۱۷

سوسیالیسم امروز

۱ بهمن ۱۳۹۸ - ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰

S_zijji@yahoo.se

سلام زیجی

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

گفتگوبا سلام زیجی
به مناسبت ۱۴مین سالگرد شکست انقلاب
۱۳۵۷ و درسهای که باید از آن گرفته شود

**"بدون پیروزی طبقه کارگر و سوسیالیسم،
ایران بعد از جمهوری اسلامی، باز هم یک ایران
تحت سرکوب و جنایت و استثمار و نابرابری
خواهد بود!"**

صفحه ۳

تحولات سریع منطقه و آینده مبهم عراق

صفحه ۸

تفکرات پیشرو جدید انقلاب شورشی (عملی)
در اعتراضات سراسر جهان

صفحه ۹

رمز پیروزی ما بر
جمهوری اسلامی و
جبهه ارتجاع سرمایه
داری، غلبه فوری بر
کمبدهای جنبش
خودمان است!

آذر کیمیا

هر نیرو و انسان آگاه و طرفدار توده
های تحت ستم نمی تواند اقدامات نظامی
اخیر از سوی آمریکا و ایران را بدون
تکیه بر شرایط جنبش های جاری در
ایران به درستی تجزیه و تحلیل کنند، و
متوجه واقعیتها و اهداف و نقشه ای باشد
که هر دو دولت نامبرده در جهت
انحراف سیر مبارزاتی طبقه کارگر و
مردم مباررز ایران ایفا می کنند. آب سرد
ریختن بر انجزار عمومی از جنایت
بزرگ جمهوری اسلامی در آبان ماه که
منجر به کشته شدن ۱۵۰۰ نفر طی فقط ۵
روز توسط نیروهای سر کوبگر رژیم
شدند و هزاران زخمی و دستگیر شدند
تنها میشد با این نوع ترقه بازیها و راه
انداختن مراسم سینه زنی و عزا و
خرافات و تبلیغات دروغین از آن عبور
نمود.

بر عکس هیاهوی بخش زیادی از
اپوزسیون چپ و راست، کشته شدن
جنایتکار قاسم سلیمانی توسط آمریکایی
ها به مسیر "سراشویی" افتادن حکومت
اسلامی کمک نکرد، بلکه تا حدودی
اوضاع را به نفع ج.ا. سوق داد. بسیاری
از مردم هوشیار مطرح می کنند که قتل
قاسم سلیمانی توسط آمریکایی صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

→ رمز پیروزی ما بر جمهوری اسلامی و ...

ها مرحمت الهی برای رژیم ج.ا. بود. مردم می بینند که در شرایطی که این حکومت با کشتار و به رگبار بستن هر معترض و

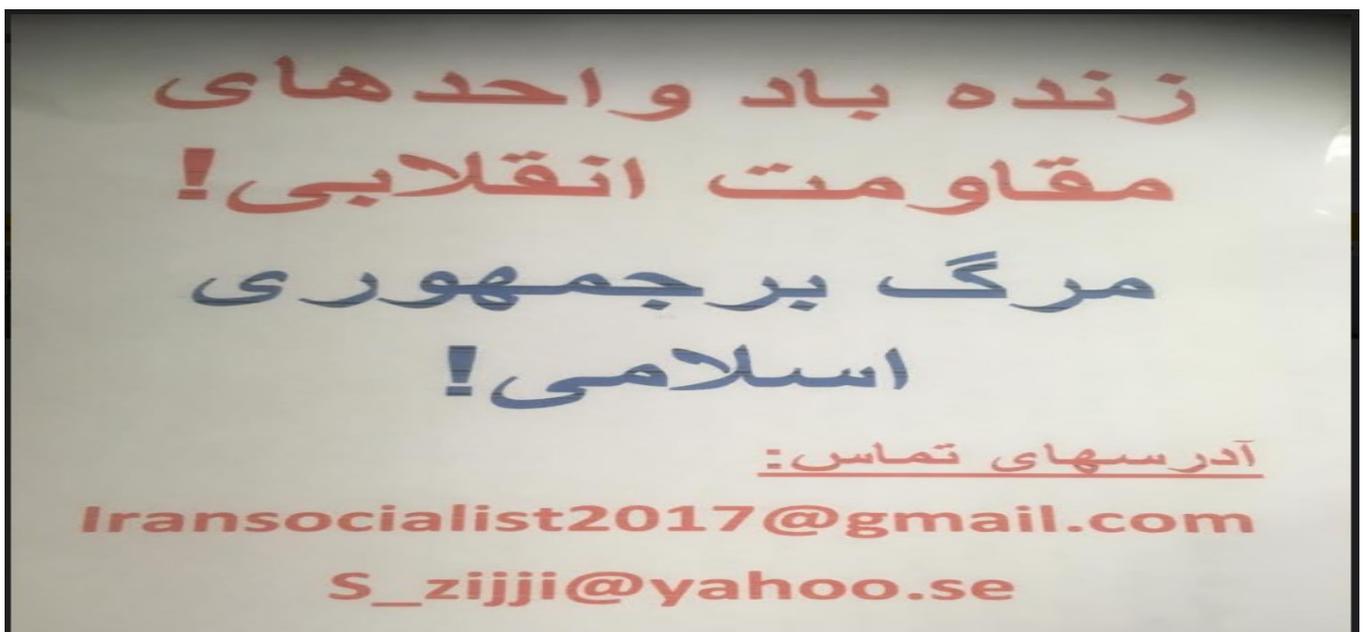
تظاهر کننده ای علیه گرانی، بیکاری، گرانی بنزین و مردم گرسنه و جان به لب رسیده پاسخ داد اما فوراً با خشم گسترده تر و مخالفت شدید از طرف اکثریت مردم مبارز سراسر ایران مواجه شد، طوری که حتی مشروعیت خود را در میان بخشی از خودی هایشان نیز از دست داده بود، در شرایطی که از هر سوی اعتراض علیه این نظام بالا می گرفت، آمدند با علم کردن این قتل و چیدن بساط عزاداری و دست و پا کردن جمعیتی در خیابان به زور و با قدرت وحشیانه اش و با ترفند های شناخته شده می کوشد با فریب افکار عمومی پایگاه مردمی برای حکومتی سراپا آلوده به خون درست کند. هر چند جنایت هولناک کشتار سرنشینان هواپیمائی مسافر بری توسط سپاه پاسداران بهره جوی از شیون ناشی از مرگ قاسم سلیمانی تروریست و آدمکش را بدرجائی حاشیه ی کرد.

نماز جمعه خامنه ای جلاد تلاشی دوباره برای بازگرداندن آن فضا و به صف کردن همه جناحها و شخصیت های اوپاش رژیم پشت سر خود به منظور نجات جمهوری اسلامی از دریای از تنفر و انزار اجتماعی بوداما نماز جمعه " تاریخی" خامنه ای نیز در لحظه ای است که شخص خامنه ای و نظامش به دشمن و قاتل مستقیم یک نسل دیگری که فرزندان و عزیزان میلیونها شهروند هستند تبدیل شده و دیگر پل سازش و آشتی بین ماها باقی نمانده است! از اینرو دستش خالی تر از همیشه است. در دوره ای است که این نظام بیش از همیشه شعارهای نه شاه نه رهبر، مرگ بر جمهوری اسلامی، خامنه ای قاتله و غیره کارگران و زحمتکشان و دانشجویان با کابوس روبرو کرده است. میدانند کاسته شدن ترس جامعه از این نظام سرکوبگر و گویای بی آبرویی رهبر و ماله کشان رهبر است، گویای لبریز شدن کاسه صبر جامعه است، بگونه ای که خود نیز واقفند که در ضعیف ترین لحظه سلطه استبدادیشان قرار دارند، آنچه که آنها را سرپا نگهداشته است نبود یک قدرت مستحکم و سازمان یافته انقلابی کارگری و سوسیالیستی و دانشجویی و صف آزادیخواهی است که تحت هژمونی و پرچم واحد بتواند برای تمام کردن لاشه این نظام ترور و جنون و جنایت درمیدان این نبرد بزرگ عرض اندام جدی کند! پایان این حلقه ضعیف ما شروع امید به پیروزی کارگران و زحمتکشان، و تدارک سرنگونی فوری و انقلابی نظام جمهوری اسلامی خواهد بود! این کابوسی است نه فقط جمهوری اسلامی و سرمایه داران ایران که دولتهای بورژوائی و امپریالیستی و اپوزسیون ارتجاعی شوونیست و ناسیونالیست و ملی- مذهبی ها نیز از به واقعیت تبدیل شدن این اتفاق تاریخی دارند.

ما سوسیالیستها و طبقه کارگر و زحمتکشان ایران راهی بجز شکست همه ترندهای سرمایه داری جمهوری اسلامی و امریکا و اپوزسیون راست ملی و مذهبی پیش روی خود نداریم. باید آنها را شکست بدهیم تا پیام آزادی و برابری و خوشبختی را برای اولین بار برای جامعه ایران به ارمغان بیاوریم و نظام انسانی، آزاد، برابر، شورای و سوسیالیستی را مستقر کنیم.

کارگران، زنان جوانان آزادیخواهان متنف از جمهوری اسلامی!

همه میدانیم که رمز پیروزی ما بر جمهوری اسلامی و کل جبهه ارتجاع سرمایه داری غلبه فوری بر کمبودهای جنبش خودمان است! لطفا بیانیید با ما در حزب سوسیالیست انقلابی و با هر نیرو و تشکلی که در این راستا مسئولانه تلاش میکنند دست در دست همدیگر بگذاریم و این ضعف تاریخی خودمان را به یک پیروزی تاریخی تبدیل نماییم!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



گفتگوی سلام زیجی به مناسبت ۴۱ مین سالگرد شکست انقلاب ۱۳۵۷ ایران و درسهای که باید از آن گرفته شود "بدون پیروزی طبقه کارگر و سوسیالیسم، ایران بعد از جمهوری اسلامی، باز هم یک ایران تحت سرکوب و جنایت و استعمار و نابرابری خواهد بود!"

سلام زیجی: برای بررسی جامع روند انقلاب ۵۷، و همچنین عواملها و فاکتورهای وقوع و شکست آن میتوان بطور مفصل نوشت. و البته هر جنبش و نیرویی از منظر جنبش و منفعت طبقاتی خودش به وقایع تاریخی مینگرد و از این رو نیز در صدد بررسی سیاستها و درسهای که باید اتخاذ کنند و بگیرند به آن وقایع برخورد می نمایند. معمولا در تحولات سالیان اخیر از دیماه ۹۶ تا آبان ۹۸ و مهمتر از اعتصابات پرشور کارگری تا اعتراضات و شعارهای رادیکال اخیر جنبش دانشجویی و اعتراض گسترده به جنایت سرنگون کردن هوپیمایی مسافری که در آن جان ۱۷۲ نفر به واسطه سپاه تروریست اسلامی گرفته شد، معمولا هر نیرو و جنبشی یکبار دیگر به آن تاریخ و تجربه برگشت و در صدد هدایت و یا حتی سرکوب اعتراضات و دخالت در آن بر اساس همان تجارب سال ۵۷ و تاثیر گذاری بر آن بر بستر سیاست ۴۱ ساله جنبش و طبقه و حزب و دولتشان بوده اند. ما به سهم خود به عنوان یک جریان روشن بین کارگری و سوسیالیستی بسیار متفاوتتر از بقیه به حقیقتهای آن دوران پرداختیم و گفتیم نباید آن تاریخ تکرار گردد چرا که همچنانکه شما هم اشاره کرده اید متأسفانه جمهوری جنایت اسلامی از انقلاب آزادیخواهانه سال ۵۷ "بیرون آمد" که نمی بایست چنین باشد!

به مناسبتهای مختلف بارها به سهم خود به جوانب مختلف آن تحولات از زاویه طبقه کارگر و جنبشی که تاریخ واقعی انقلاب ۵۷ و شکست استبداد پادشاهی را رقم زد اما به دلیل نا آمادگی و ضعفهایش نتوانست آنرا به نفع خود رقم بزند و خودش قربانی دست پرورده دولتها و نیروهای دست راستی و اسلامی قرار گرفت و میدان را باخت، پرداخته ایم.

ادامه



اجتماع اعتراضی کارگران نفت در آذر ۵۷ - دسامبر ۱۹۷۸

سوسیالیسم امروز: امروز اول بهمن ماه وارد سالگرد انقلابی میشویم که در همین ماه اتفاق افتاد. بدینترتیب وارد چهل و یکمین سالگرد شکست انقلاب آزادیخواهانه سال ۱۳۵۷ میشویم، که با نقشه دولتهای غربی و بورژوازی ملی و مذهبی ایران به یژه با دخالت مستقیم دولت امریکا که در نهایت منجر به استقرار خونین یکی از فاشیستی ترین نظامهای بورژوازی و مذهبی و قرون وسطی در ایران و جهان شد، که پیروزی آن بر دریائی از خون و جنایت و کشتار انقلاب کنندگان هموار گردید. متأسفانه اکنون سالگرد تاریخ شکست جامعه ای را مرور میکنیم که برای امر آزادی، برابری، رفاه، و رهایی از استبداد سلطنتی و زندان و اعدام به میدان آمد اما متأسفانه شکست خورد، و جامعه به جای بدست آوردن آزادی و برابری و رفاه به چاله دیگر و به دام یک استبداد و فاشیست به مراتب ارتجاعی تر مدافع نظام سرمایه داری افتاد و به هدف خود نرسید. وقایع تاریخی مهم و شکستی بسیار بزرگ که جریانات ضد انقلابی و ارتجاعی اعم از جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان سرنگون شده و دیگر ژورنالیستهای اجیر شده ایرانی و جهانی، هر کدام به نوعی روایتی از این واقعه بدست می دهند، که با نفس و ماهیت آن رویداد تاریخی نه تنها سنخیتی ندارد که کاملاً بر سانسور و دروغ بنا شده است.

رفیق سلام زیجی! نسل شما که در آن انقلاب ضد سلطنتی شرکت و حضور داشتید، و اکنون ۴۱ سال هم هست علیه جمهوری اسلامی به عنوان عامل و مامور شکست انقلاب سال ۵۷ در حال مبارزه هستید، لطفاً توضیح بدهید که مهمترین زمینه های انقلاب سال ۵۷ علیه نظام استبدادی سلطنتی و ماهیت و مطالبه آن چه بود و اکنون چه درسهای از آن باید آموخت تا چنین ناکامی های بسیار پر هزینه ای که متحمل شده ایم، دوباره به طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه ایران تحمیل نگردد؟

نه شاه نه شیخ، نه قومی نه مذهبی، نه ملی اسلامی ها، نه فدرالیست جی ها، نه اسلام مجاهدینی، نه سیستم رعیت پروری پادشاهی، مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!	ما فقط برای یک پیروزی سوسیالیستی مبارزه میکنیم! بدون پیروزی سوسیالیسم هیچ اعتراض و "انقلابی" به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه تمام نخواهد شد! سلام زیجی S_zijji@yahoo.se	کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری! برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com
---	--	--

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت ۴۱ مین سالگرد شکست...

گفته ایم چرا متأسفانه حاکمیت دست جریان به مراتب ارتجاعی تر و وحشی تر از رژیم شاه افتاد. بازخوانی مجدد همه آن حقایق بسیار سرنوشت سازتر است برای جامعه و طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی چرا که دیر یا زود ما باید تلاش و آرزوی سرنوینی جمهوری اسلامی را به واقعیت امر تبدیل کنیم و این ضرورت به میدان آمدن نسل و جریان رزمنده و متفاوت و کاملاً فاصله گرفته از اشتباهات دوره سال ۵۷ را لازم دارد، اگر بخواهد اینبار پیروز گردد.

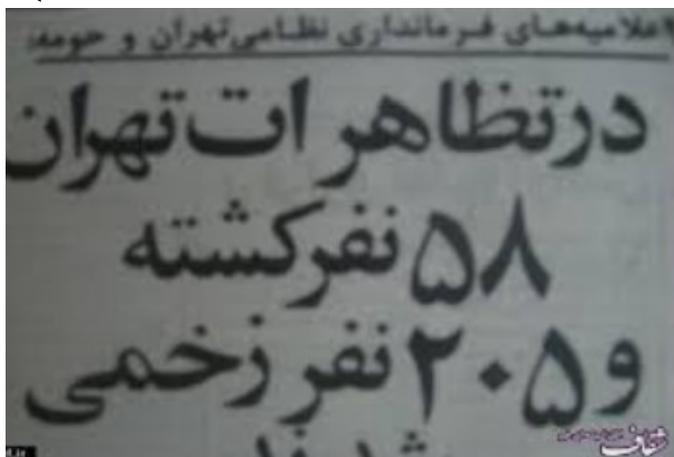
درباره زمینه و خصلت انقلاب ۵۷ بنظرم مانند کلیه انقلابات و خیزشهای توده ای و کارگری که صفت انقلابی بر خود دارند، اعتراض طبقه محروم و کارگر، هدف و خصلت محوری آن انقلاب آزادیخواهانه بود. چنین قیامهای آزادیخواهانه ای که از پائین جامعه شروع میگردد هدف آنها سرنوینی کلیت نظام حاکم و با به دست گرفتن پرچم آزادی و برابری و رفاه و ضدیت با همه وجوه استبدادی و طبقه حاکمه را در دست خواهد داشت. معمولاً مرکز شروع و خروش آن نیز محلات فقیر نشین و مراکز کارگری و توسط توده های محروم و کارگران و نسل جوان روشنفکر مترقی و متعلق به آن طبقه و در یک کلام توسط جنبش های مترقی و آزادیخواهانه و سوسیالیستی و کمونیستی شروع میگردد. اتفاقی که ما در سال ۵۷ شاهدش بودیم، اما مانند بخش اعظم این نوع انقلابات و حرکتهای آزادیخواهانه به دلیل ناتوانی سیاسی، فکری، سازمانی، خصلت غیر کمونیستی و پوپولیستی ناظر بر جنبش چپ و بی اشتباهی و ترسش از کسب قدرت سیاسی - دولتی، هم کل روند به بیراه میرود و هم خود نیروی چپ و انقلاب کنندگان درصاف اول قربانیان دست توهمات خود و به قدرت رسیدن جنبش و حزب و طبقه دیگری خواهند بود. تا جایی که به خود ما برمیگردد این مشکل پایه ای و ویرانگر سال ۵۷ جنبش ما برای سرنوینی استبداد شاهنشاهی و روند بعد از آن بود!

بعد از اصلاحات ارضی و روی آوری جمعیت کثیری به شهرها که با خود میلیونها کارگر و مراکز وسیع حاشیه نشینی و بیکاری به همراه داشت، نظام کابینالیستی تازه به دوران رسیده تحت حاکمیت نظام پادشاهی قادر به پاسخگویی به این تحولات نبود، و به مرور زمان جدال طبقاتی در جامعه نوین کارگری و رشد یافته سرمایه داری در شکل جدال و کشمکش با حاکمیت، ساواک، و شاه، به واقعیت کشمکش های اجتماعی و طبقاتی در آن دوران تبدیل شد. شروع دهه پنجاه شمسی مصادف شد با شروع بحران و تعمیق کشمکشهای اجتماعی و طبقاتی که نظام سرمایه داری پادشاهی میخواست از راه سرکوب و ریاضت اقتصادی و نیروی کار ارزان "ایران را به یک کشور مدرن در جهان" تبدیل کنند که سرشان به بحران و سنگ خورد. و در نهایت سرنگون شدند. وجود نابرابری اقتصادی و تعمیق فاصله طبقاتی، فقر، گرانی و بیکاری و تبعیض های گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نظام حاکم سرمایه داری پادشاهی، اعمال یک حاکمیت به شدت خشن پلیسی و امنیتی، سازماندهی توحش در زندان و انواع اعدام و شکنجه و ترور، ممنوع کردن هر نوع فعالیت آزاد سیاسی و

رسانه ای، اجازه ندادن به ابراز وجود احزاب مخالف سیاسی، شکل دادن به حاکمیتی بر مبنای شونیسیم فارس، نفرت پراکنی و سرکوب وحشیانه علیه هر شکلی از آزادیخواهی و کمونیسم، سرکوب و تبعیض علیه اقلیتهای اجتماعی، فرهنگی و زبانی دیگر در جامعه و بلاخره بر بستر فقر گسترده در جامعه در راستایی گسترش کابینالیسم و منفعت یک اقلیت که آشکارا سرگرم یک زندگی مجلل و مفت خوری و اعیان نشینی و عیاشی و فساد و زدنی از جانب خاندان شاه و طرفداران آنها، همه و همه عواملها و زمینهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وقوع انقلاب ۵۷ علیه نظام قرون وسطی و مستبد شاهنشاهی را فراهم کرد.

همچنانکه اشاره شد نیروی محرکه و مفهوم آزادیخواهانه و بستر اصلی چنین انقلابهای انقلابی نیز اساساً طبقه کارگر و مردم زحمتکش و مبارز شکل میدهند. روشن است بحث ما در باره انقلابات واقعی و طبیعی شکل گرفته از پائین جامعه علیه دولت و حاکمیت سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها در قالب دولت چه در شکل "ملی" و چه در شکل "اسلامی" است، نه هر نوع "انقلابی"، مانند "انقلابات مخملی"، و یا تغییر حاکمیتها از طریق "رژیم چنج" و دخالت قدرتهای امپریالیستی یا در اثر دعوا و فروپاشی و کودتا از درون صفوف خود طبقه حاکمه بورژوازی، اینها اگر اسمشان انقلاب باشد انقلابات ارتجاعی و از بالا و بدون دخالت واقعی انقلابیون و رهبری و هژمونی رادیکال و آزادیخواهی و سوسیالیستی "پائینیها" صورت میگیرد. کشورهای "بهار عربی" و دست بدست شدن بخشی از استبدادهای حاکم و جایگزینی شان به مستبدین دیگری و همچنین تحمیل جنگ و سناریو سیاه طولانی مدت در کشورهای منطقه خود بخشی از این تحولات ضد انقلابی هستند که برخی آنرا "انقلاب" نامگذاری کرده اند، همانطوری که در طول ۴۱ سال اخیر برخی از این جریانات اپوزسیون چپی و ملی و اسلامگرا نیز حداقل ۴۱ بار اسم هر حرکتی ولو ارتجاعی را نیز در ایران انقلاب گذاشتند تا واقعیت انقلابی و زیور و کننده عمل انقلابی و اجتماعی کارگری و آزادیخواهانه را لوس و تحریف نمایند. همانگونه که مفاهیم سیاسی و طبقاتی خیلی پدیده های دیگر انقلابی را نیز به نفع جنبش راست و پوپولیستی از طرف بخشی از خود چپ تماماً از محتوا تو خالی شده اند.

ادامه



هفته شهریور 57 به روایت تصویر

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت ۴۱ مین سالگرد شکست...

همه ملزومات ضروری و فوری سرنگونی جمهوری اسلامی است! ما معتقد هستیم بدون وجود چنین آمادگی هر شکلی از سرنگونی یا انقلاب، علیه جمهوری اسلامی حتی به وقوع هم بییوندند در بهترین حالت ممکن کارگر و زنان و جوان مبارز و سوسیالیستها و کمونیستهای انقلابی همان چیزی بدست خواهد آورد که سال ۵۷ تا کنون بدست آورده است. ما یک نیروی واقع بین هستیم از هیاهو و پوپولیسم بازی و جنجال و خود فریبی خوشمان نمی آید. فکر میکنیم برای پیروزی قطعی کامل بر جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی و سوسیالیسم باید هزاران بار بیشتر از موفقیت کنونی از هر نظر آماده تر شد!

تردیدی نیست که خواست سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران بسیار عمیق و گسترده است، اما در عین حال از یکطرف موقعیت که جمهوری اسلامی نیز بدست آورده، و ابزار گسترده سرکوب و مسلح و تروریستی که بسیج نموده مانده دوره شاه نیست که به آسانی و با چند تظاهرات خیابانی و به زبان خوش قدرت را رها کند، حداقل برای طبقه کارگر و نیروی چپ به آسانی رها نخواهد کرد. از سوی دیگر بنظر من اپوزسیون بطور کلی و بطور مشخص اپوزسیون چپ در این مقطع هنوز توان و ظرفیت و آمادگی سیاسی و سازمانی ندارند که هژمونی چپ و سوسیالیستی و آلترناتیو قطب کارگری و کمونیستی را نه تنها تامین نمایند که بخش زیادی از آنها من تردیدی ندارم همان نقش چپی را ایفا میکنند که در سال ۵۷ چپ سنتی و پوپولیست و دنباله رو ایفا نمودند. یعنی بخشا به نیروی جنبشهای دیگر و حتی به زیر عباى جنبش و نیروهای دست راستی خواهند رفت. همزمان ما باید فاکتور بسیار مهم دیگری را نیز در این دوره در نظر بگیریم که در سال ۵۷ با آن روبرو نبودیم، آنهم وجود یک کمربند گسترده از جنایت و تروریسم و جنگ و حضور قلدنرمنشانه آمریکا و روسیه و دولتهای همپیمان آنها که همه شان علیه روند چپ و آزادیخواهی و کارگری و مانع قدرت گیری طبقه کارگر و آلترناتیو سوسیالیستی هستند. به این فاکتورها دوباره باید فاکتور مخربتر اپوزسیون راست ملی گرا و اسلامی که بنظرم در صورت ضعیف بودن صف کارگری و سوسیالیستی میتوانند هزار برابر پر مخاطره تر باشند از دوره ای که بخشی از اینها رفتن زیر عباى خمینی برای سرکوب انقلاب ۵۷.

ادامه

کشور ایران، دوباره، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینیستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و بانی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود!

Iransocialist2017@gmail.com

در اینجا لازم به تاکید می دانم که اکنون تمرکز روی اینکه چرا چنین انقلابی به چنین سرنوشتی تبدیل گردیده، باید محکی برای درس گرفتن های بهتر و بیان صادقانه نقد و اقرار اشتباهات باشد، میتواند نور افکن آینده را روشنتر کند، زمینه انقلاب ۵۷ هر چه باشد امروز متأسفانه ما با یک شکست ۴۱ ساله در تاریخ بعد از قیام ۵۷ مواجه هستیم و بسیار پر هزینه بوده و باید راه تکرار آنرا در ایران مسدود کرد. تنها راه عدم تکرار آن ایجاد احزاب رزمنده و متناسب بزرگ سیاسی- کارگری- توده ای که توان و ظرفیت نبرد قهر آمیز با چنین حکومت فاشیستی تا دندان مسلح و تروریست را داشته باشد، ایجاد تشکلهای گسترده و مستقل کارگری به گونه ای که آن طبقه و رهبرانش مدعی و در راس اعتراضات باید قرار بگیرند، و بلاخره با پرهیز از سیاستهای خلقی و گلاهداری های "همه با هم" راستها و پوپولیستی که هنوز بنظر من دامن بخش اعظم چپ را نیز گرفته، باید خود را از آنها رها کرد، و بر شکل دادن به صف مبارزاتی مستقل کارگری- سوسیالیستی و آزادیخواهانه خود پای فشرد، هم علیه حاکمیت سیاه اسلامی و هم کلیه نیروهای ارتجاعی شوینیستی و ملی گرا و مذهبی، چه در اپوزسیون و چه در اپوزسیون، باید صف آرایی محکم طبقاتی و جنبشی کرد!

سوسیالیسم امروز: اکنون بعد از ۴۱ سال گذار از آن تجربه و تاریخ، شما و حزب سوسیالیست انقلابی ایران چه چشم اندازی برای وقوع انقلاب دیگری علیه جمهوری اسلامی، به عنوان رژیم که جانشین رژیم پادشاهی در سال ۵۷ گردید، دارد؟

سلام زیجی: چشم انداز ما برای وقوع یک انقلاب دیگر، دوباره تاکید کنیم منظور یک انقلاب انقلابی متعلق به کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت، و به هدف استقرار نظام سوسیالیستی تماماً در گرو درس گرفتن جدی ما از انقلاب ۵۷، در گرو عروج متشکل و متحزب طبقه کارگر، در گرو تبدیل شدن احزاب مانند حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب سیاسی بزرگ توده ای-کارگری و آماده برای نبرد جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی با جمهوری اسلامی و کلیت نیروهای راست ملی و اسلامی که دست به اسلحه دارند و میتوانند در تند و بیج سیاسی امنیت و آرامش جامعه را به هم بزنند، در گرو تدارک



بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت ۴۱ مین سالگرد شکست...

برای آنکه متوجه تندر من شوید قلم و کاغذ بردارید و اسامی ضد انقلابیون و نیروهای مخاطره آمیز و دست سازدولتهای دیگر را از فدرالیست چپهای قومی کرد و آذری تا مجاهدین و نیروهای وابسته به رژیم فاسد پهلوی و شونیزم و ناسیونالیسم عظمت طلب فارس و غیره و انواع جریانات سنی و شعیه مسلح کنونی را اضافه کنید که بدون تردید حاضرند برای سهم شدن در قدرت آتی و تسلط بر یک مرکز و شهری هر کوچه و پس کوچه ای را درست مانند سوریه امروز بر سر مردم ایران ویران کنند. بیان این حقایق به معنی فرار از نبرد انقلابی برای کسب پیروزی نیست!، دقیقا بر عکس!، برای تاکید بر فوریت تدارک ملزومات بسیار گسترده و ملیتانت و متشکل و متحزبی است که قادر باشد اوضاع را به نفع خود و آینده آزادی و برابری کلیه شهروندان رقم بزند. بدون جنین آمادگی و تلاش سخت سوسیالیستی و انقلابی کلاه همه کارگران و زنان و جوانان و کمونیستها و سوسیالیستها و مردم تشنه آزادی و برابری پس معرکه است!

از اینرو تا آن مرحله و کسب تناسب قوای بسیار بهتر فعلا چشم انداز کاملا روشن برای شروع یک انقلاب پیشرو و رادیکال و کوبنده که تحت هژمونی روند سوسیالیستی و کارگری باشد ضعیف دیده میشود. به بیان دیگر بگویم، روزنه پیروزی کمونیزم و کارگر در این مقطع، به دلیل عواملها و کمبودهای جدی که اشاره کردم، متأسفانه با وجود همه عاملهای مثبت توده ای و کارگری و با وجود نفرت گسترده و عمیق که از جمهوری اسلامی وجود دارد، شانس پیروزی هنوز و اکنون کم است. توجه داشته باشید من در باره چشم انداز روند سرنگونی انقلابی که آینده آن به نفع کارگر و سوسیالیسم و آزادیخواهان تمام گردد صحبت میکنم نه هر نوع "سرنگونی" یا فروپاشی که به هر دلیلی دیگری ممکن است اتفاق بیفتد، مثلا با مرگ خامنه ای و تعمیق دعوی درونی خود رژیم یا دخالت نظامی دولت ثالث یا حتی فروپاشی اقتصادی و یا عوامل مشابهی که ربطی به هدف و اراده سازمانیافته ما کارگران و انقلابیون سوسیالیست نداشته باشد. وقوع این نوع "انقلاب" ها در ایران به همان اندازه سال ۵۷ یا به اندازه "انقلاب" های "بهارعربی" نسیب مردم تشنه آزادی و برابری خواهد شد.

ما میگوئیم باید در همه مراکز کارگری و شهرها و داخل و خارج کشور به میدان آمد و ابزارهای انقلابی و آزادیخواهانه سرنگونی رژیم را درست کرد، باید به امید و اتکاء به جنبش خود رفت و جنگید و سرنگون کرد و پای هزینه اش هم ایستاد. ما به اپوزسیون نوین و حزب سیاسی بزرگ و قدرتمند نیاز داریم. ما به درس گرفتن از خطاهای ۴۱ ساله خود نیز داریم که بنظر میرسد برای خیلها داستان امروز نیز تکرار همان تاریخ و کلتشه های ۴۱ سال پیش است. ما اپوزسیونی داریم که خود مانع پیروزی بر جمهوری اسلامی و کسب آزادی برابری و سوسیالیسم هستند. که رهبریشان را واقعا باید مانند خود سیستم و افرادی که در حاکمیت جمهوری اسلامی یا هر دولت دیگری در منطقه حاکم است با زور "سرنگون" کرد، خودشان نه رفتنی اند نه هرگز در قبال هیچ اشتباه و خطای مسئولیتی بر عهده می گیرند. احزاب و "رهبرانی" داریم ۴۱ سال است حکایت میگویند و مرتکب اشتبا و خطا میشوند به ویژه از جانب رهبران مادامعمرشان و شبیه "امام" خامنه ای حتی قابل تغییر هم نیستند، هر روز با قول سرنگونی نیرویش را شارژ میکند، اما بدون اینکه واقعا حتی خودش ظرفیت و توان چنین امری داشته باشد.

بدین ترتیب روشن بگویم، ضمن اینکه از هفت تپه و فولاد و هپکو و آذر آب تا آبان و ۱۶ آذر و همین اعتراضات دیمه دیروز و پریروز علیه جنایت کشتار هواپیمائی مسافربری، که شاهد یک روند اعتراضی رادیکال و بسیار مثبت هستیم، اما هنوز به منزله تدارک و آمادگی کافی برای شروع یک قیام دگرگون کننده به نفع طبقه کارگر و اکثریت جامعه نیستیم، هنوز تناسب قوایی واقعی در زمین صف مبارزه طبقاتی، اگر فراتر از آنچه تا به حال رخ داده و فراتر از ارزیابیهای احساساتی آنرا ببینیم، به نفع طبقه و جنبش ما بطور کامل هنوز صورت نگرفته است. برای مثال هر گاه موارد هفت تپه و فولاد اهوازیها را در سراسر کشور و به ویژه در مراکز مهم صنعتی به شکل سازمانیافته باز تکثیر شد و همچنین چون یک طبقه واحد متحد پشت همدیگر را هم بگیریم، آنگاه مسیر پیروزی خود بر دولت و همه ارتجاع را هموارتر کرده ایم!

↓ شونیزم فارس و نظام مستبد شاه جنایتکار ↓



نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت ۴۱ مین سالگرد...

خواستم تاکید کنم برای به سر انجام رساندن یک نبرد واقعی و کارگری-سوسیالیستی سرگونی طلبانه علیه چنین رژیمی نیازمند سازماندهی تشکلهای قدرتمند کارگری و ایجاد احزاب نوین سیاسی و انقلابی هستیم. نیازمند تغییر ساختاری و تغییر در نگرش و سنتها و سیاستهای ۹۹ درصد کلیه احزاب و نیروهای موجود در طیف چپ هستیم. جامعه وقتی میتواند به میدان نبرد نهایی قدم بگذارد که وجود واقعی یک مجموعه احزاب مسئول و جدی، و بطریق اولی وجود یک آلترناتیو روشن و انقلابی و سوسیالیستی قدرتمند را سراغ داشته باشد و به آن اعتماد کند. نمیشود همینطوری در تاریکی سنگ پرتاب کرد! اگر کسی از حرفهای من دلخور است و یا از نظر فرهنگی برایش سخت است قبول چنین واقعتهای، لطفا توضیح دهند چرا جریان با سابقه و خیلی کمونیستی آنها توان سازماندهی یک مقاومت از نوع کوبانی و عفرین را ندارند؟ مگر جمهوری اسلامی و جنایتش چه چیزش از داعش و ترکیه کمتر است؟ همه اش "فضای سرکوب باعث شده است"؟ بنظر میرسد این جمهوری اسلامی خوب به داد توجیحات بی عملی آنها رسیده است. این تجارب نشان میدهد حتی گاه سیاست بسیار شفاف و کلمه به کلمه کمونیستی نیست که میتواند جامعه و مقاومت و نبرد جدی را سرو سامان داد. یا حداقل صرفا با داشتن "سیاست کمونیستی" روی کاغذ اما در میدان نبرد واقعی بدون پراکتیک انقلابی بودن نمیتوان سنگی روی سنگی گذاشت. وجود اراده و از خود گذشتگی و عبور از زندگی مجلل و راحت طلبی و جسارت رهبری داشتن و غیره نیز بخش مهمی از ملزومات انجام هر عمل انقلابی و یا نیمچه انقلابی در جامعه است. من "رهبرانی" را میشناسم که حقیقتا دو روز حتی عرق هم نریخته و معنی گرسنگی هم نمی فهمند چه رسد به پراکتیک انقلابی و کمونیستی، اما برای تعدادی همینها یک پیغمبر تمام عیار هستند. تا این فرهنگ بورژوائی به اسم "چپ" وجود داشته نباید به چنین سازمانها و افرادی هیچ امیدی داشت.

در هر صورت ما امیدواریم فضای سیاسی اعتراضی جدیدی که به وجود آمده به عروج هر چه گسترده تر جنبش انقلابی کارگری و زنان و جوانان منجر گردد، ما امیدواریم احزاب سیاسی و مترقی و سوسیالیستی و کارگری جدید شکل بگیرند ، ما امیدواریم حزب ما به یک حزب بزرگ سیاسی، رزمنده، انقلابی، کارگری، مورد انتخاب میلیونها انسان مبارز قرار بگیرد. و ما امیدواریم کلیه ابزارهای نبرد با رژیم هار اسلامی را بتوانیم بسازیم. اگر این امیدواریهای ما به واقعیت مادی در زمین صفت مبارزه تبدیل گردد آنگاه تردیدی نداریم که هر نوع اعتراض و شکلی از جنبش آزادیخواهان و سرنگونی طلبانه ای که صورت بگیرد، یا هر سطحی از مخاطرات نیروهای مسلح اسلامی و قومی در تحولات پیشرو وجود داشته باشد، هر اندازه خود رژیم دارای نیروی سرکوب باشد و به سرکوبگریش ادامه بدهد، ما مطمئن هستیم از عهده همه شان بر خواهیم آمد.

ادامه

وحوش خمینی و حاکمیت سیاه اسلامی



اطلاعات

ندمان اظهارات ۳۰ خرداد
احراز هویت نیرویان شدید

از سوی روابط انقلاب اسلامی تهران که بر اساس اسنادی است که در اختیار آنها قرار گرفته است، اعلام می کند که در صدد شناسایی و احراز هویت افرادی است که در جریان انقلاب اسلامی در تهران و سایر نقاط کشور فعالیت داشته اند و به منظور احراز هویت و شناسایی این افراد اقداماتی در حال انجام است.

دعوت دادستانی انقلاب از اولیاء و بستگان شدگان

اعضای هیئت قتل عام سالهای ۶۰ و ۶۷

نباید از قطع دست دزد بترسیم

دفاعات کشور واهی و افسانه‌هاست این است که از جرمی عقول مری و کلاه می گویند کلاه با دو خلیفت رفاه می کنند می ترسند خدایا خدا فرموده است که هر که سر برافشاند بر او لعنت است و هر که سر برافشاند بر او لعنت است و هر که سر برافشاند بر او لعنت است



زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی! مرگ پر جمهوری اسلامی!

گفتگو با سلام زیجی به مناسبت ۴۱ مین سالگرد شکست...

در نتیجه با وجود همه انقلابی‌گری که داریم با وجود تلاش بی‌وقفه‌ای که برای سرنگونی رژیم مافیایی اسلامی داریم بخرج می‌دهیم، اما به عنوان یک واقعیت عینی باید بگوییم که چشم انداز وقوع یک انقلاب مترقی دیگر و اینکه تضمین کنیم یا تضمین داده شود که سرنوشت مبارزه و "انقلاب" این دوره نیز به سرنوشت انقلاب ۵۷ یا حتی بدتر منجر نگردد، تا زمانی که کمبودهای جدی که گفتیم رفع نکنیم، به هیچ عنوان نمیتوان به آن پاسخ مثبت داد.

بنظر من هر نیرو و فردی اگر برآستی بخواهد در فکر "انقلاب" دیگری باشد مادام که بطور قطع در فکر رفع موانعهای موجود و تدارک ابزارهای پیروزی جنبش متعلق به طبقه کارگر و مردم زحمتکش و انقلابی در این انقلاب نباشد، آن نیرو و افراد را نباید جدی و مسئول تلقی کرد. ما برای رفع موانعهای سر راه جنبش خود داریم تلاش میکنیم، چرا که تصمیم داریم بطور قطع حاکمیت هیچ دولت و سازمان و آلترناتیو دست راستی دیگری چه در قالب، سلطنتی و شونیستی و ملی‌گرایی، چه فدالی، و چه مذهبی، نپذیریم! نمیخواهیم از بالا و یا به واسطه دخالت سیاسی و نظامی امثال آمریکا تغییراتی صورت بگیرد!، نباید گذاشت سناریوی سال ۵۷ دوباره و در پوشش دیگری تکرار کنند! ما تصمیم داریم فقط برای پیروزی سوسیالیسم مبارزه کنیم و بجز استقرار یک نظام سوسیالیستی تن به هیچ شکل حکومتی دیگری نخواهیم داد، این حق‌ترین حقی است که جنبش ما و حزب ما، و اکثریت سرکوب شده شهروندان ایران بعد از بیش از یکصد سال تجربه سرکوب و بیحقوقی و له شدن در زیر چکمه و سرنیزه دو حاکمیت فاسد و سیاه جمهوری اسلامی و شونیسم پادشاهی و ملی‌گرایی برای خود قائل است. فکرمیکنیم اکثریت جامعه نیز همین راه را انتخاب و حمایت میکنند. درغیاب چنین انتخابی تردیدی نباید داشت که دوباره با شکست و ناکامی و بی‌حقوقی باز هم بیشتر و درد آورتی مواجه خواهیم شد!

تجربه حداقل یک قرن اخیر حاکمیت دو نظام پادشاهی-شونیستی و اسلامی - شیعه‌گری و حامیان و محافظان نظام ضد انسانی سرمایه‌داری بر کشور ایران به هر کسی که به دنبال خلاصی از جنگ این جنایتکاران است و واقعا برای یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، خوشبخت و بری از تبعیض و استثمار و سرکوب و خرافه‌گری دینی و ملی در تلاش است، ثابت کرده است، و بیش از هر زمانی عیانتر شده است، که بدون پیروزی طبقه کارگر و سوسیالیسم، و کسب قدرت سیاسی و دولتی از جانب این جنبش و طبقه، ایران بعد از جمهوری اسلامی، باز هم یک ایران تحت سرکوب و جنایت و استثمار و نابرابری و مملو از فقر و درد و رنج و جنایت و افسار گسیختگی سرمایه‌داری برای اکثریت شهروندان خواهد بود! ما همه صف از ادیخواهان را به اتحاد حول تلاش برای کسب پیروزی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر فرامیخوانیم!، نه حول شگرد فریبکارانه و ارتجاعی "همه با هم بودن" های که شیادان سیاسی بورژوا و یولیست در یوزسیون و ایوزسیون آنرا هر روز جار میزنند تا نظام طبقاتی وحشی سرمایه‌داری و حاکمیت سیاه بورژوا-ارتجاعی خود را همچنان حفظ نمایند. تاریخ سرنوشت آینده ایران را باید کارگر و سوسیالیسم و انسانهای آزادی و متمدن رقم یزنند!

این ممکن است اگر جنبش ما و رهبران کارگری و کمونیست به این منفعت طبقاتی و مبارزه خطیر خود واقف باشند و این مهم را بر همه مصالح دیگر ترجیح دهیم.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری،

زنده باد نظام شورانی و سوسیالیستی،

مرگ بر جمهوری جنایتکار اسلامی

تحولات سریع منطقه و آینده مبهم عراق

زاگرس ابراهیمی



طی روزهای گذشته شاهد روند تحولات و رخداد های سریعی در سطح منطقه خاورمیانه و بخصوص

در عراق بوده ایم. به باور من آنچه که امروز در عراق و منطقه اتفاق می افتد نظم نوین جهانی است که در حال شکل گرفتن و تثبیت آن است. نظمی که در آن دیگر نه تنها جهان توسط دو الی سه کشور بلکه توسط چندین کشور قدرتمند نو ظهور در عصر حاضر در حال شکل گیری است، اما در اینجا میخواهم دایره بحث را کوچک تر کرده و به اوضاع فعلی عراق و نقش قدرت ها در این کشور و آینده مبهم آن بپردازم .

کم و بیش برای کسانی که اخبار منطقه را دنبال میکنند روزانه شاهد تحركات نظامی و امنیتی و دیپلماسی کشورهای از جمله روسیه، ترکیه، ایران، آمریکا، اسرائیل فرانسه و بریتانیا و... در سطح منطقه و عراق هستند که تمامی این تحركات در جهت اعمال قدرت و گسترش نفوذ استعمارگرانه خود بر منطقه است .

از آنجایی که تا کنون در طی تاریخ نیز شاهد آن بوده ایم کشورهای خاورمیانه از لحاظ سیاسی به دو دسته استعمارگر و مستعمره تقسیم شده اند که در واقع این امر نیز نتیجه ای از نظم جهانی بود که بر منطقه و جهان توسط چند قدرت جهانی تحمیل میکردند اما آنچه که در عراق کنونی و این روزها در حال اتفاق است نتیجه همان تفکر و سیستم حاکم بر جهان است که تاکنون نیز ادامه دارد و کشور ها را به دو دسته استعمارگر یا مستعمره تقسیم کرده است.

برای فهم این موضوع برای خواننده این مقاله يك پرسش را مطرح میکنم برای مثال اگر ایران که در عراق در حال گسترش نفوذ خود است عراق را ترك نماید به نظر شما عراق مستقل خواهد بود ؟ یا برعکس اگر آمریکا عراق را ترك کند باز عراق مستقل خواهد بود ؟ این سوال برای روشن ساختن سیستمی است که بر جهان حاکم است همانطور که شاهد آن بودیم عراقی که در زمان صدام حسین در اوج قدرت خود نیز به سر میبرد مستقل نبود !

پس به علت اصلي اوضاع متشنج عراق و آمریکا با ایران یا ترکیه و روسیه یا آمریکا یا با دولت های منطقه رسیده ایم که نتیجه جنگ بر سر منافع دولت ها و تلاش برای استعمار و اعمال نفوذ خود در منطقه و کشورهای آن است به نظر من به غیر از يك قیام مردمی پیشرو به رهبری جنبش سوسیالیستی و ضد استثمار و نابرابری در تمامی کشورهای مستعمره به هیچ عنوان نمیتوان سیستمی که بر جهان

حاکم است را تغییر

ادامه

ننگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیاناش!



تفکرات پیشرو جدید انقلاب شورشی (عملی) در اعتراضات سراسر جهان

تینا خلیفه ای

(افلاطون در کتاب جمهوری می گوید در دنیا دو نیرو هست: شمشیر و تدبیر (منطق) و بیشتر اوقات شمشیر مغلوب تدبیر شده است). در دنیای امروز نیز شاهد تفکراتی نوین و آزادی طلبی هستیم که آزمون و خطاهای متفکران و دانشمندان قرن های قبل از خود را گذرانده و بعد از غربالگری بسیاری به تفکرات خالص که از استبداد و استبدال آور برای ظلم عاری اند، رسیده اند. که گامی بزرگ از انقلاب فکری به انقلاب عملی است، هر چند که معادلات سیاسی و عاقبت اندیشی دست و پای بسیاری از اعتراضات و اعتصابات را بسته نگه داشته است.

در این جهش فکری بزرگ نسل ما میل به آزادی (از همه نوع آن) را افزایش داده است و در حال سازمان دهی این امیال به سمت پیروزی است. و اگر تا چند دهه قبل تر از سردرگمی سیاسی و فکری توانایی پیدا کردن راه صحیح را نداشتند، اما الان مصمم در حال ساختن راهی جدید هستند. مخصوصاً با تغییر و جابه جایی های در معادلات قدرت که دانایی و مغز پروری در حال جایگزینی کم تا بیش قدرت تسلیحاتی و پول است. هر چند به نظر من به جای جایگزینی یا جابجایی دانایی یا سیستم عقلانی در حال به کنترل در آوردن منابع دیگر قدرت است نه از بین بردن آن ها. به هر حال جوانان و زنان که تشکیل دهنده ی ستون های اصلی نظام فکری جهان هستند در حال تغییر نتیجه به نفع خودشان هستند. اگر این تفکرات بر پایه عدالت، صلح، مردم سالاری و توسعه حقوق بشر و قوانین بین المللی استوار باشد و بکوشد میان نظم حقوقی و نظم سیاسی، اقتصادی و اخلاقی جهان یک توازن پایدار ایجاد کند، می توان به دورنمای آن امیدوار بود.

هرگونه نظام فکری جایگزین در آینده، باید نظامی اخلاقی ایجاد کند که در پرتو آن نیازهای کلیه انبای بشر برآورده شود و نوعی وابستگی متقابل و همبستگی را میان اقوام و ملل مختلف ترغیب کند. طبیعی است که چنین نظم مطلوبی باید روابط بین المللی مثبتی برقرار کند که بر پایه مشارکت حقیقی و صادقانه بین کلیه کشورها، اعم از ضعیف و قوی، شمال و جنوب، غنی و فقیر باشد. جدا از مباحث بعدی باید با درس از گذشته زمان حال را برای آینده بهتر به درستی ترسیم و عملی کنیم با پیشرفت فکری به خصوص در مناطق خاورمیانه باید از افراط، تأثیرات واهی و احساسات زودگذر به دور باشیم.

شرایط را به جای مقایسه همان طور که هست با منطق و در نظر گرفتن نتیجه بسنجیم و مشکلات را حل کنیم. منظور از افراط این است که پتانسیل جذب هر نوع تفکر، فرهنگ و مذهبی را به شرط افراط زدایی آن ها در خود جای دهیم و با مخالفت های بی دلیل و غیر منطقی دشمن تراشی نکنیم و درزی میان اجتماعات ناراضی مختلف ایجاد نکنیم یا به معنی دیگر اتحاد در راستای یک هدف را از دست ندهیم. منظور از تأثیرات واهی امید به نجات از طرف هر نوع حکومت و دولتی است که این ادعا را دارد که خواهان کمک است نه تثبیت قدرت و نفوذ در جامعه مد نظر که تمام دایره ی جامعه از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بر خواهد گرفت. احساسات زودگذر یعنی تسلیم تفکرات آرمان گرایانه بودن و عدم توجه با نتیجه هر کار و عملی که در راستای رسیدن به هدف انجام می دهیم.

جو انقلابی شورش یا بهتر است بگویم فکر کردن به خلاصی از تمامی بعد های منفی زندگی مانند فقر، طلاق، مواد مخدر، بی کاری نبود شرایط مساعد برای تحصیل رایگان، فشارهای سیاسی، عدم آزادی روزنامه نگاری، عدم آزادی فردی و... حس آزادی را به انسان میدهد در حالی که به آزادی دست نیافته است و از نظر حکومتی و قانونی و حقوقی آن را تثبیت نکرده به همین دلیل تا حدودی دلیل شکست بسیاری از انقلاب ها عدم برنامه ریزی برای بعد از آن و تعیین به نتیجه رسیدن هدف فقط تا برقراری شورش هاست نه بعد از اتمام انقلاب و برنامه ریزی برای مکانیزم جدید حکمرانی. به امید رسیدن به آزادی و برابری برای تمام مردم جهان.

تحولات سریع منطقه و...

داد و تمامی کشور ها را بتوان از مستعمره بودن قدرتی های منطقه ای و جهانی رها ساخت. زیرا سازمان های بین المللی که میتوان به آن رجوع و شکایتی علیه کشوری که قصد اعمال نفوذ بر آن کشور را دارد خود

بخشی از سیستم استعمارگر است.

و اما عراق، تمامی رخداد های اخیر در عراق دقیقاً در چهارچوب استعمارگری نوینی است که در منطقه در حال اجرا است که به هیچ عنوان نیز عراقی که بعد از سقوط صدام حسین تمامی سران آن فاسد از آب در آمده و خود نیز به نحوی دست نشانده آمریکا یا ایران بوده اند نمیتواند مردم عراق را از شر این استعمارگران نجات دهد. در نهایت افزایش تنش ها در عراق چند گزینه بیشتر را نمیتوان برآورد کرد، اول خروج آمریکا از عراق و تصاحب آن توسط ایران، دوم خروج ایران از عراق و تصاحب آن توسط آمریکا، سوم ماندن هر دو کشور نامبرده در عراق با ایجاد توافقی مابین آنها!

گزینه چهارمی وجود دارد که همانطوری که در بالا اشاره شد یک شورش انقلابی مردم سازمانیافته آماده جنگ با همه دولت ها و علیه تمامی کشورهایی که در امورات عراق دخالت میکنند و حضور نظامی دارند است. که در حال حاضر متأسفانه به دلیل شرایط سخت و چند قطبی کردن مردم جامعه توسط دولت های نامبرده به ویژه سه دولت جنایتکار ایران و آمریکا و عراق، به دلیل نبود آمادگی نیروهای که چنین وظیفه بزرگی را رهبری کنند هنوز چین چشم انداز روشنی در این باره نمیتوان داشت. اما به عنوان تنها گزینه ی مثبت باید برای تحقق آن جانانه و متحدانه انه تلاش نمود.

همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)
[مقالات در نشریه](#)
[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



درخواست عضویت از حزب



فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظم به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.
امضا...
تاریخ...

iransocialist2017@gmail.com	آدرس مایل ارسال درخواست عضویت	www.simroz.org
--	-------------------------------	--

iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.
در هر جایی که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید.
حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشانشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!
زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکار سازی موقوف!